

آیا روایت صحیح السندي مبني بر نيابت و وکالت عثمان بن سعيد از امام زمان (عج) ، وجود دارد؟

سوال کننده : سيد م ، محسن

توضیح سؤال :

به عقیده شیعه، حضرت امام مهدي عليه السلام ، جناب عثمان بن سعيد العمري را براي نيابت عامه خود انتخاب کرده است. معروفترین روایتي که داریم و به این موضوع دلالت کند ، از طریق جعفر بن محمد بن مالک الفزاري هست که نجاشي ، ابن غضائري و مرحوم سيد خوئي جعفر بن محمد بن مالک الفزاري را ضعیف و وضاع حدیث می‌شناسند، نقل شده است. ولي برنامه درایت النور این شخص را "ثقه علي التحقیق" می‌شناسد. آیا روایت دیگری داریم که هم به موضوع نيابت عثمان بن سعيد العمري دلالت واضح و صریحي داشته و هم صحیح الاسناد باشد؟ لطفاً آن روایات را براي بنده ذکر کنید. و آیا دلیلي براي وثاقت جعفر بن محمد بن مالک الفزاري داریم؟

پاسخ :

نیابت نواب خاص از ضروریات مذهب شیعه :

اولاً : نیابت نواب خاص در میان فقها و علمای شیعه ، از مسائل قطعي است و جزء ضروریات مذهب شیعه به شمار مي رود ؛ از این رو چنین مطلبي نیاز به روایت و یا بررسی سندی ندارد .
ثانیاً : عثمان بن سعيد از بزرگان تاریخ شیعه است که نائب امام هادي ، امام عسکري و امام زمان عليهم السلام بوده است . روایات صحیح السندي از هر سه امام در این باره وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره مي کنیم :
شیخ طوسي رضوان الله تعالی عليه در کتاب شریف الغیبة مي نویسد :

فَأَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامِ الْإِسْكَافِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْقَمِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي أَنَا أَعِيبٌ وَأَشْهَدُ وَلَا يَتَهَيَّأُ لِي الْوُصُولُ إِلَيْكَ إِذَا شَهِدْتُ فِي كُلِّ وَقْتٍ فَقَوْلَ مَنْ نَقَبَلُ وَأَمْرَ مَنْ نَمْتَثِلُ فَقَالَ لِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَذَا أَبُو عَمْرٍو الثَّقَةُ الْأَمِينُ مَا قَالَهُ لَكُمْ فَعَنِي يَقُولُهُ وَمَا آدَاهُ إِلَيْكُمْ فَعَنِي يُؤَدِّيهِ فَلَمَّا مَضَى أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) وَصَلْتُ إِلَيَّ أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ مُوسَى صَاحِبِ الْعُسْكَرِ (عليه السلام) ذَاتَ يَوْمٍ فَقُلْتُ لَهُ مِثْلَ قَوْلِي لِأَبِيهِ فَقَالَ لِي هَذَا أَبُو عَمْرٍو الثَّقَةُ الْأَمِينُ ثَقَّةُ الْمَاضِي وَثِقَتِي فِي الْحَيَاةِ وَالْمَمَاتِ فَمَا قَالَهُ لَكُمْ فَعَنِي يَقُولُهُ وَمَا آدَى إِلَيْكُمْ فَعَنِي يُؤَدِّيهِ

الغیبة ، ص 354 ، ح 315 .

جمعي از راویان حدیث ، از هارون بن موسي تلعبكري براي ما (شيخ طوسي) با سند خود از احمد بن اسحاق قمي روایت نموده اند که وي گفت : روزي خدمت حضرت امام علي النقي عليه السلام رسيدم و عرض کردم : آقا ! من گاهي سعادت درك حضورتان را دارم و گاهي از اين فيض بي نصيب مي مانم و در اين جا همه اوقات اين فيض براي من ميسر نمي گردد ، سخن چه کسي را بپذيريم و از چه کسي پيروي نمائيم ؟

فرمود: اين ابو عمرو (عثمان بن سعيد) مردی موثق و امين است ، آن چه وي براي شما نقل کند ، از طرف من مي گوید و آن چه به شما مي رساند از جانب من مي رساند .

احمد بن اسحق مي گوید : بعد از رحلت آن حضرت ، روزي خدمت امام حسن عسکري عليه السلام شرفياب شدم و همان سؤال

را از آن حضرت نیز کردم ، آن حضرت هم فرمود :

«این ابو عمرو مردی موثق و امین است ، هم مورد وثوق امام گذشته (امام علی النقی) بود و هم نزد من در زمان حیات و بعد از مردنم موثق می باشد ، آنچه به شما برساند از جانب من می گوید و از طرف من می رساند .

این روایت از نظر سندی صحیح اعلائی است و از نظر دلالت نیز هیچ اشکالی ندارد و بر وکالت و نیابت خاص عثمان بن سعید ، هم در زمان امامین عسکریین و هم در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد .

و شیخ کلینی رحمة الله علیه در کتاب شریف کافی می نویسد :

... وَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ وَقُلْتُ مَنْ أَعْمَلُ أَوْعَمَّنْ أَخْذُ وَقَوْلُ مَنْ أَقْبَلُ فَقَالَ لَهُ : الْعُمَرِيُّ ثِقَتِي فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّي وَمَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَأَطِعْ فَإِنَّهُ الثَّقَةُ الْمَأْمُونُ .

وَأَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْعُمَرِيُّ وَابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَأَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ ...

الكافي، ج 1، ص 329، باب في تسمية من رآه عليه السلام ، ح 1 .

احمد بن اسحاق به من اطلاع داده است که از امام هادی پرسیده بود: «سفیر شما کیست که با او همکاری کنم؟» و شاید پرسیده بود که: «احکام الهی را از چه کسی دریافت کنم و سخن چه کسی را پذیرا باشم؟» و امام هادی نام شما را برده و گفته بود:

«عثمان بن سعید مورد وثوق است هر پیغمبی که از من برساند از من رسانده است و هر سخنی که از من نقل کند از من نقل کرده است. سخن او را بشنو و دستور او را اطاعت کن که او کاملاً امین و موثق است».

و باز همین احمد بن اسحاق به من اطلاع داده است که از امام عسکری پرسیده بود که: «سفیر شما کیست؟» و امام عسکری گفته بود:

«عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان هر دو تن مورد وثوق می باشند، هر پیغمبی که از جانب من بیاورند، از جانب من آورده اند و هر سخنی که از من نقل کنند از من نقل کرده اند ، سخن هر دو را بشنو و از فرمان آن دو اطاعت کن که هر دو تن مورد وثوق من می باشند» .

این روایت نیز از نظر سندی مشکلی ندارد و دلالت می کند که جناب عثمان بن سعید ، وکیل امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بوده است .

و مرحوم شیخ طوسی در اختیار معرفة الرجال (رجال الکشي) نامه مفصلي از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، خطاب به اسحاق بن اسماعیل نوشته و به وی دستور می دهد :

فَلَا تَخْرُجَنَّ مِنَ الْبَلَدِ حَتَّى تَلْقَى الْعُمَرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَرِضَايَ عَنْهُ وَتَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَتَعَرَّفَهُ وَيَعْرِفَكَ فَإِنَّهُ الطَّاهِرُ الْأَمِينُ الْعَفِيفُ الْقَرِيبُ مِنَّا وَإِلَيْنَا فَكُلُّ مَا يُحْمَلُ إِلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ مِنَ النَّوَاحِي فَإِلَيْهِ يَصِيرُ آخِرُ أَمْرِهِ لِيُوصَلَ ذَلِكَ إِلَيْنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا سَتَرْنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ يَا إِسْحَاقُ بَسِطْرِهِ وَتَوَلَّاكَ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ بِصُنْعِهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ مَوَالِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا .

اختيار معرفة الرجال ، ج 2 ، ص 848 .

«از شهر خارج نشو مگر بعد از ملاقات با عمري ، خدا از او راضي باشد به واسطه رضاييت ما و سلام بر او بنما و خود را به او معرفي کن تا ترا بشناسد او مردی پاک و عقیف و مورد اعتماد و نزدیک به ما است هر مبلغی که از نواحی برای ما می رسد عاقبت به او می دهند و او به ما می رساند (و الحمد لله کثیراً) خدا ما و شما را در پناه خود محفوظ دارد و در تمام کارها پشتیبانمان باشد سلام بر تو و جمیع دوستان و رحمة الله و برکاته درود بر سرور ما پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم تسلیم کثیراً .

در این روایت نیز تصریح شده است که جناب عثمان بن سعید العمري ، وکیل ، نایب و واسطه میان امام و مردم بوده است و سهم امام علیه السلام را برای آن حضرت می برده است .

و هنگامی عثمان بن سعید به رحمت خدا پیوست ، امام زمان علیه السلام در نامه ای جهت تعزیت به فرزند بزرگوارش محمد بن عثمان می نویسد :

أَجْزَلَ اللَّهِ لَكَ الثَّوَابَ وَ أَحْسَنَ لَكَ الْعَزَاءَ رَزَيْتَ وَرَزَيْنَا وَأَوْحَشَكَ فِرَاقَهُ وَأَوْحَشَنَا فَسَرَّهُ اللَّهُ فِي مُنْقَلَبِهِ وَكَانَ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا مِثْلَكَ يَخْلُفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَيَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَيَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيكَ وَعِنْدَكَ أَعَانِكَ اللَّهُ وَقَوَّأَكَ وَ عَضَّدَكَ وَوَفَّقَكَ وَكَانَ لَكَ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَرَاعِيًّا .

کمال الدین و تمام النعمة ، ص 510 و الغيبة ، ص 361 .

إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

« خداوند ثواب تو را زیاد گرداند و در این مصیبت صبر نیکو مرحمت فرماید ، تو مصیبت زده ای و ما هم اندوهناک هستیم فراق پدرت برای تو و ما هر دو وحشتناک است خداوند او را در جایی که دارد شاد گرداند از کمال سعادت او این بود که مثل تو فرزندی داشت که بعد از او بماند و به دستور وی جانشین او گردد و برای او طلب رحمت و مغفرت کند! من هم میگویم: الحمد لله، زیرا شیعیان به وجود تو و آن چه خداوند در تو و نزد تو قرار داده است ، مسرورند پروردگار عالم تو را یاری کند و نیرو بخشد و پشتیبانی نماید و در کار خود توفیق دهد خداوند دوست و نگهبان تو باشد»

و شیخ طوسی از انتساب فرزند عثمان بن سعید به جای پدرش خبر می دهد :

وَ أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَامٍ قَالَ قَالَ لِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ لَمَّا مَضَى أَبُو عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَتَتْنَا الْكُتُبُ بِالْخَطِّ الَّذِي كُنَّا نَكَاتِبُ بِهِ بِإِقَامَةِ أَبِي جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَقَامَهُ .

الغيبة ، ص 362 ، ح 324 .

جماعتی از هارون بن موسی تلکبری از محمد بن همام روایت نموده اند که عبد الله بن جعفر حمیری گفت : چون عثمان بن سعید رضی الله عنه وفات یافت مکتوبی به همان خطی که ماها می نویسیم در خصوص انتصاب فرزندش محمد بن عثمان رضی الله عنه به جای او صادر شد .

و نیز می نویسد :

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْرِيَارَ الْأَهْوَازِيِّ أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِي عَمْرٍو وَالْأَبْنُ وَقَاهُ اللَّهُ لَمْ يَزَلْ ثِقَتَنَا فِي حَيَاةِ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ يَجْرِي عِنْدَنَا مَجْرَاهُ وَيَسُدُّ مَسَدَهُ وَعَنْ أَمْرِنَا يَأْمُرُ الْإِبْنُ وَبِهِ يَعْمَلُ تَوَلَّاهُ اللَّهُ فَانْتَهَ إِلَيْ قَوْلِهِ وَعَرَّفَ مُعَامَلَتَنَا ذَلِكَ .

الغيبة ، ص 362 ، ح 324 .

محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی برای ما نقل کرد که : بعد از وفات عثمان بن سعید توقیعی بدین مضمون برای من آمد: خداوند پسر او را حفظ کند. او در زمان پدرش مورد اعتماد ما بود، خدا از او و پدرش خشنود باشد، و روح پدرش را شاد گرداند، پسرش در نزد ما مانند اوست و در جای وی نشسته است آنچه از ما بگوید گفته ماست و بفرمان ما عمل میکند خداوند او را تأیید کند. پس گفته او را قبول کن و نظر ما را در باره او بدان .

بررسی روایت جعفر بن مالک فزاری :

مرحوم شیخ طوسی در الغيبة ص 357 می نویسد :

قَالَ وَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكِ الْفَزَارِيِّ الْبَرَّازُ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْخَةِ مِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ وَأَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ وَالْحَسَنُ بْنُ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ فِي خَبَرِ طَوِيلٍ مَشْهُورٍ قَالُوا جَمِيعاً اجْتَمَعْنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

نَسَأَلُهُ عَنِ الْحُجَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَفِي مَجْلِسِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا فَقَامَ إِلَيْهِ عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَمْرِو الْعَمَرِيُّ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ أَمْرٍ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ يَا عُثْمَانُ فَقَامَ مُغْضَبًا لِيَخْرُجَ فَقَالَ لَا يَخْرُجَنَّ أَحَدٌ فَلَمْ يَخْرُجْ مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا أَنْ كَانَ بَعْدَ سَاعَةٍ فَصَاحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِعُثْمَانَ فَقَامَ عَلَيَّ قَدَمَيْهِ فَقَالَ أَخْبِرْكُمْ بِمَا جِئْتُمْ قَالُوا نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ جِئْتُمْ تَسْأَلُونِي عَنِ الْحُجَّةِ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعَمْ فَإِذَا غُلَامٌ كَأَنَّهُ قِطْعٌ قَمَرٍ أَشْبَهَ النَّاسَ بِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَلَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ مِنْ بَعْدِ يَوْمِكُمْ هَذَا حَتَّى يَتِمَّ لَهُ عُمْرٌ فَاقْبَلُوا مِنْ عُثْمَانَ مَا يَقُولُهُ وَانْتَهُوا إِلَيَّ أَمْرِهِ وَاقْبَلُوا قَوْلَهُ فَهُوَ خَلِيفَةُ إِمَامِكُمْ وَالْأَمْرُ إِلَيْهِ .

جعفر بن محمد بن مالك فزاري بزاز از جماعتی از شیعه منجمه علی بن هلال و محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح در خبری طولانی مشهور نقل کرده که همه آن ها گفتند : خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم تا در خصوص امام بعد از وی از حضرت جويا شویم چهل نفر دیگر غیر از ما نیز در مجلس حضرت بودند . در این وقت عثمان بن سعید عمری برخاست و عرض کرد : یا ابن رسول الله ! می خواهم مطلبی را از حضرتت سؤال کنیم که خود دانایتر میباشید . حضرت فرمود :

ای عثمان بنشین ! سپس حضرت با حالتی خشمگین برخاست که بیرون رود و فرمود :

هیچ کس بیرون نیاید . کسی از ما هم بیرون نرفت ، بعد از لحظه ای حضرت ، عثمان بن سعید را صدا زد و او برخاست و ایستاد ، حضرت فرمود : بگویم برای چه نزد من آمده اید ؟

حضار گفتند بفرمائید یا ابن رسول الله ! فرمود : آمده اید از من بپرسید امام بعد از من کیست ؟ عرض کردند : آری یا ابن رسول الله ! در این وقت جوانی را که مانند پاره ماه بود و از هر کس به پدرش امام حسن عسکری علیه السلام بیشتر شباهت داشت در برابر خود دیدیم . حضرت فرمود :

«بعد از من این امام شما و جانشین من می باشد از وی پیروی کنید و پراکنده نگردید که در امر دین خود به هلاکت می رسید . بدانید که بعد از امروز دیگر او را نخواهید دید تا عمر او کامل شود . پس هر چه عثمان بن سعید از جانب او به شما خبر میدهد ، بپذیرید . او نماینده امام شماست و نیابت به وی تفویض می گردد .

بررسی اعتبار جعفر بن محمد بن مالک الفزاری :

اما در رابطه با جعفر بن محمد بن مالک باید گفت :

اولاً شیخ طوسی او را توثیق کرده .

جعفر بن محمد بن مالک ، کوفی ، ثقة .

رجال الطوسی ، ص 418 .

و نیز ابو القاسم کوفی متوفای 352 هـ در کتاب الإستغاثه ، وی را این گونه توثیق می کند :

حدثنا جماعة من مشايخنا الثقة منهم جعفر بن محمد بن مالك الكوفي ...

الاستغاثه ، ج 1 ، ص 77 .

ثانیاً : تضعیف نجاشی و ابن غضائری در مقابل توثیق شیخ طوسی ارزشی ندارد ؛ زیرا تضعیفات این دو بزرگوار به خاطر نقل روایاتی بوده است که در آن زمان از دیدگاه آن ها غلو محسوب می شده ؛ در حالی که امروزه همه آن ها از ضروریات مذهب شیعه به حساب می آید .

مرحوم علامه جلیل القدر، حاج شیخ عبدالله مامقانی در تنقیح المقال بعد از نقل تضعیفات نجاشی و ابن غضائری مینویسد : وأقول قد نبهنا في المقدمة فوائد عشر علي أن جملة مما هو من ضروريات مذهبنا اليوم قد كان يعد في السلف الزمان غلوًا و عليه فرعوا تضعيف جمع من الثقات و ظني أن ما صدر في المقام في حقّه من الغمز و التضعيف ناش من روايته جملة من

معجزات الأئمة سيما معجزات ولادة القائم ... و تحقيق المقال أن الأقوي كون الرجل ثقة اعتماداً علي توثيق الشيخ ...

در فواید دهگانه در مقدمه کتابمان گفتیم که برخی از مسائل که امروز از ضروریات مذهب شمرده می شود درگذشته آن را غلو می دانسته اند که بر همین اساس هم جمعی از راویان مورد ثقه را تضعیف می کرده اند و من فکر می کنم آنچه که در مورد جعفر بن محمد مالک از ضعف و غیر آن گفته شده است ناشی از نقل او معجزات ائمه مخصوصاً داستان ولادت حضرت مهدی علیه السلام باشد.... نتیجه این تحقیق آن است که وی بنا بر سخن شیخ طوسی ثقه است .

تنقیح المقال ، ج 1 ، ص 226 ، باب جعفر .

علامه محقق نمازی شاهرودی می نویسد:

والتحقیق أن الأقوي كون الرجل من الثقات المعتمدين اعتماداً علي توثيق الشيخ ، وأبي القاسم الكوفي في كتاب الاستغاثة ، والعلامة المامقاني في رجاله .

رای محکمتر در باره جعفر بن محمد مالک کوفی این است که بگوئیم: بنا بر توثیق شیخ و ابو القاسم کوفی در کتاب استغاثه و مامقانی در کتاب رجالش، ثقه و مورد اعتماد است .

مستدرکات علم رجال الحديث ، ج 2 ، ص 213 ، رقم : 2830 .

ثالثاً : خود مرحوم شیخ طوسی از روایت این گونه تعبیر می کند :

فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ مَشْهُورٍ ...

در خبری طولانی و مشهور و شناخته شده

از این جمله نیز می توان استنباط کرد که روایت از دیدگاه مرحوم شیخ طوسی شهرت روائی داشته است و شهرت روائی (در صورت قبول ضعف سند) می تواند جابر ضعف سند باشد . در نتیجه ، این روایت نیز از نظر سندی مشکلی ندارد و حد اقل می توان از آن برای تأیید دیگر روایات ذکر شده در باب ، استفاده کرد .

نظر بزرگان شیعه درباره وکالت عثمان بن سعید :

بزرگان شیعه در کتاب های متعدد ضمن این که عثمان بن سعید را از نواب خاص شمرده اند ، مطالب گرانسنگی نیز در وثافت او بیان کرده اند :

شیخ طبرسی رضوان الله تعالی علیه در کتاب احتجاج می نویسد :

أَمَّا الْأَبْوَابُ الْمَرْضِيُّونَ وَالسُّفْرَاءُ الْمَمْدُوحُونَ فِي زَمَنِ الْغَيْبَةِ فَأَوْلَهُمُ الشَّيْخُ الْمُوثِقُ بِهِ أَبُو عَمْرٍو عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدِ الْعُمَرِيُّ نَصَبَهُ أَوْلًا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ ثُمَّ ابْنُهُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَتَوَلَّى الْقِيَامَ بِأُمُورِهِمَا حَالَ حَيَاتِهِمَا ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ قَامَ بِأَمْرِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَتْ تَوْقِيعَاتٌ وَجَوَابَاتُ الْمَسَائِلِ تَخْرُجُ عَلَيَّ يَدِيهِ فَلَمَّا مَضَى لِسَبِيلِهِ قَامَ ابْنُهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ مَقَامَهُ

وَنَابَ مَنَابَهُ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ فَلَمَّا مَضَى قَامَ بِذَلِكَ أَبُو الْقَاسِمِ الْحُسَيْنُ بْنُ رُوحٍ مِنْ بَنِي نُوْبَخْتٍ فَلَمَّا مَضَى قَامَ مَقَامَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ وَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِذَلِكَ إِلَّا بِنَصِّ عَلَيْهِ مِنْ قِبَلِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَصَّبَ صَاحِبِهِ الَّذِي تَقَدَّمَ عَلَيْهَا .

فَلَمْ تَقْبَلِ الشَّيْعَةُ قَوْلَهُمْ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِ آيَةِ مُعْجَزَةٍ تَظْهَرُ عَلَيَّ يَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مِنْ قِبَلِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَدُلُّ عَلَيَّ صِدْقِ مَقَالَتِهِمْ وَصِحَّةِ نِيَابَتِهِمْ ...

از سفیران مورد قبول و اعتماد و افرادی که رابط و واسطه بین مردم و امام زمان علیه السلام در زمان غیبت بوده اند ، نخستنی آنان عثمان بن سعید عمری است که قبلاً از طرف امام هادی (علیه السلام) به نمایندگی انتخاب شده بود و امام عسکری (علیه السلام) هم او را در همین منصب ابقا نمود که در دوران زندگی این دو امام کارهای زندگی آنان را انجام می داد

، سپس به دستور امام زمان (علیه السلام) به نمایندگی انتخاب شد که جواب مسائل و نامه ها به وسیله او به دست مردم می رسید ، پس از آن که وی از دنیا رفت فرزندش محمد بن عثمان جانشین وی شد و همان مسئولیت ها را به عهده داشت ، پس از وفات او حسین بن روح نوبختی جای وی را گرفت و پس از وی علی بن محمد سمري نیابت را عهده دار شد ، این چهار نفر هر يك با فرمان و دستور امام زمان علیه السلام و تعیین فرد قبلی منصب نمایندگی را پذیرا شدند ، و شیعیان سخنان آنان را در صورتی که همراه با نشانه ای از طرف حضرت صاحب الامر مانند معجزه و غیر آن که تایید کننده مقام نیابت و ادعای آنان بود می پذیرفتند .

شیخ طوسی از استوانه های عملی شیعه می نویسد:

فأما السفراء الممدوحون في زمان الغيبة : فأولهم : من نصبه أبو الحسن علي بن محمد العسكري وأبو محمد الحسن بن علي بن محمد ابنه عليهم السلام وهو الشيخ الموثوق به أبو عمرو عثمان بن سعيد العمري رحمه الله وكان أسديا وإنما سمي العمري .
از سفیران مورد قبول و تایید شده ، نخستین از آنان عثمان بن سعید عمري است که شخصی مورد اعتماد بود و از طرف امام هادی سپس فرزندش امام عسکری علیهما السلام به مقام سفارت و نمایندگی منصوب شده بود ، و به لقب اسدی شناخته می شد ، سپس به عمري مشهور گشت .

الغیبة ، ص 353 .

و هم چنین در کتاب رجال خود می نویسد:

محمد بن عثمان بن سعید العمري ، یکنی ابا جعفر ، وأبوه یکنی ابا عمرو ، جمیعا وکیلان من جهة صاحب الزمان علیه السلام ، ولهما منزلة جلیلة عند الطائفة .

محمد بن عثمان بن سعید عمري با کنیه ابوجعفر و پدرش با کنیه ابو عمرو هر دو نفر از طرف امام زمان علیه السلام وکیل بوده و نزد شیعیان امامیه مقامی بس رفیع دارند .

رجال الطوسی ، ص 447 .

همین مطلب علامه حلی نقل می کند.

خلاصة الأقوال ص ۲۵۰ .

ابن داوود حلی می گوید :

عثمان بن سعید العمري السمان الزیات یکنی ابا عمرو دي کر (جیح) جلیل القدر ثقة خدم الهادي علیه السلام وله إحدى عشرة سنة وله إليه عهد معروف ، وتوکل للعسكري علیه السلام .

عثمان بن سعید عمري ملقب به سمان و زیات و با کنیه ابو عمرو شخصی است بلند مرتبه و مورد اعتماد ، که مدت یازده سال در خدمت امام هادی علیه السلام بود ، و وصیت و عهدی معروف بین او و امام بوده است . و همچنین مقام وکالت را نیز از طرف امام عسکری علیه السلام دارا بود .

رجال ابن داود ، ص 133 .

نتیجه :

نیابت و وکالت عثمان بن سعید رضوان الله تعالی علیه از مسائل قطعی و مورد اجماع تمام شیعیان است و روایت جعفر بن مالک نیز از نظر سندی مشکلی ندارد .